

تحلیلی بر شاخص‌های پشتیبان تولید

امیررضا سوری، کارشناس اقتصادی

جهان اقتصاد

آزادی اقتصادی از مفاهیم بسیار مهم حوزه اقتصاد است که اندازه آن نمایانگر بسیاری واقعیات اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. در این راستا بنیاد هرینج (Heritage) و موسسه فریزر (Fraser) اقدام به اندازه‌گیری و انتشار سالانه شاخص آزادی اقتصادی می‌کنند. موسسه هرینج که معروف‌ترین تهیه‌کننده شاخص آزادی اقتصادی است، این شاخص را اینگونه تعریف می‌کند: «آزادی اقتصادی به مجموع حقوقی اطلاق می‌گردد که انسان را محق می‌داند که بتواند تسلط کامل بر کار و مالکیت خویش داشته باشد. در جامعه‌ای که اقتصادی آزاد دارد افراد در کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری، آزادی کامل دارند. این آزادی باید از طریق دولت محافظت و مورد حمایت قرار گیرد. در جامعه‌ای که به اقتصاد آزاد التزام دارد دولت اجازه خواهد داد که نیروی کار، سرمایه و کالاها آزادانه حرکت کرده و هیچ قید و بندی برای محدود کردن این آزادی ایجاد نخواهد نمود».

بطور کلی در شاخص‌هایی نظیر آزادی اقتصادی که منجر به آرایه رتبه‌بندی برای کشورها می‌شود تلاش می‌شود در قالب یک متدولوژی مشخص تصویری نسبی از کشورهای مختلف آرایه شود که بدین لحاظ در اکثر مطالعات علمی، گزارشات و سیاست‌گذاریها نیز این شاخص‌ها و نتایج آنها مورد استناد قرار می‌گیرند. در بررسی متدولوژی و روند محاسبه این شاخصها مشاهده می‌شود که از فرایندی منطقی برخوردار می‌باشند و عملاً در تولید آنها طیف گسترده‌ای از مراکز علمی و تحقیقاتی درگیر هستند و از این نظر چنانچه آرایه تصویری از وضعیت نسبی کشورها مدنظر باشد می‌توان تا حد زیادی از نتایج این شاخصها بهره جست. اما در استفاده از نتایج آنها بصورت خاص (مطالعه موردی هریک از کشورها) مقتضی است به نوعی جانب احتیاط نگه داشته شود. چراکه در برخی موارد انتقادات جدی به نتایج وارد می‌باشد و اصولاً نمی‌توان مقادیر شاخصها را با وضعیت حاکم بر کشورها منطبق (هماهنگ) نمود. این موضوع بصورت خاص در ارتباط با شاخص آزادی اقتصادی (بعنوان نمونه در ارتباط با ایران) جلب توجه می‌نماید. چراکه در مقایسه مقادیر بدست آمده برای

برخی معیارهای تشکیل دهنده این شاخص با تحولات اخیر ایران طی دهه گذشته، تعارضهای جدی مشاهده می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که هرچند در برخی موارد انتقاداتی به نتایج شاخص مورد نظر وارد می‌باشد که باید بنوبه خود پیوسته مدنظر باشند، اما این شاخص و فرآیند استخراج و محاسبه آنها تا آن حد قابل اعتماد و وثوق می‌باشند که در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاریها مورد توجه قرار می‌گیرند. چراکه حداقل تصویری از تلقی جامعه جهانی نسبت به هریک از کشورها و از جمله ایران ارایه می‌دهند که از این حیث می‌توانند بسیار موثر و تعیین‌کننده باشند.

موسسه هریتج رتبه ایران در سال ۲۰۱۲ را ۱۷۱ در بین ۱۷۹ کشور ارزیابی کرده و متاسفانه باید گفت این رتبه در قعر جدول و در کنار کشورهایی همچون کنگو، اریتره، لیبی و زیمباوه است. این شاخص، کشورها را به پنج طبقه تقسیم‌بندی می‌نماید. کشورهایی که دارای امتیاز ۸۰ تا ۱۰۰ هستند کشورهای دارای اقتصاد آزاد تعریف می‌گردند. امتیاز ۷۰ تا ۷۹ اقتصاد تقریباً آزاد، امتیاز ۶۰ تا ۶۹ دارای اقتصاد آزاد متوسط، ۵۰ تا ۵۹ کشورهایی با اقتصاد تقریباً غیر آزاد و کشورهایی که دارای امتیاز زیر ۵۰ هستند، در طبقه کشورهای غیر آزاد طبقه‌بندی می‌گردد. ایران دارای امتیاز ۴۲.۸ و طبیعی است که در دسته آخر قرار دارد. در طبقه آخر، ۲۹ کشور جای دارند که نخستین آنها مالدیو با رتبه ۱۵۱ و آخرین کشور کره شمالی با رتبه ۱۷۹ و امتیازی معادل یک؛ یعنی پایین‌ترین امتیاز ممکن می‌باشد. اولین کشور اقتصاد نوظهور هنگ‌کنگ با امتیازی نزدیک به ۸۹.۹ را به خود اختصاص داده است. در بین کشورهای آسیایی کسب رتبه دوم توسط سنگاپور طبیعی است اما کسب رتبه ۱۲ و امتیاز ۷۵.۲ توسط بحرین غیرمنتظره و خیره‌کننده است؛ مالزی با رتبه ۵۳ و امتیاز ۶۶.۴، قزاقستان با رتبه ۶۵ و امتیاز ۶۳.۶، ترکیه با رتبه ۷۳ و امتیاز ۶۲.۵، عربستان سعودی نیز با رتبه ۷۴ و امتیاز ۶۲.۵ هر دو در طبقه کشورهای با اقتصاد آزاد متوسط درج شده‌اند و نشان‌دهنده این است که کشورهای نوظهور آسیایی قدم‌های مهمی برای حرکت به سوی اقتصاد آزاد برداشته‌اند.

نگاهی به متغیرها و معیارهایی که شاخص هریتج در محاسبه شاخص آزادی اقتصادی منظور می‌نماید. ۱۰ متغیر عناصر شکل‌دهنده این شاخص هستند. برای هر کدام از این متغیرها امتیازی بین صفر تا ۱۰۰ در نظر گرفته شده و میانگین امتیازهای کسب شده در این ده متغیر تعیین‌کننده امتیاز

نهایی شاخص آزادی اقتصادی برای یک کشور خواهد بود در ادامه وضعیت ایران در این متغیرها تشریح شده است:

- آزادی کسب و کار: ایران در زمینه آزادی کسب و کار که مربوط به ایجاد، انجام و تعطیل کردن یک فعالیت تجاری می شود به دلیل وضعیت قوانین و قواعد کار از ۶۴.۸ درصد آزادی کسب و کار برخوردار است. شروع یک کار به لحاظ قانونی ۹ روز به طول می انجامد که میانگین جهانی آن ۳۵ روز است که از این نظر ایران در بهترین شرایط قرار دارد. به دست آوردن مجوز یک کار ۳۲۲ روز طول می کشد در حالی که میانگین آن در جهان ۲۱۸ روز است و تعطیل کردن کار هم بسیار سخت است.

- آزادی بازار نیروی کار: نمره آزادی نیروی کار در ایران ۵۱.۵ درصد است. قواعد سخت در مورد استخدام وجود دارد که امکان استخدام و رشد را کاهش می دهد. هزینه های استخدام دیگر که شامل دستمزد نمی شود بسیار بالاست. اخراج یک کارمند یا کارگر باید با تایید شورای اسلامی کار انجام بگیرد. مشکل بودن تعدیل نیروی کار باعث می شود که خطر ورشکستگی کارخانه هایی که در حال رشد هستند بالا برود و قواعد مربوط به ساعت کار بسیار سخت و محکم هستند.

- آزادی پولی: دو آفت برای بازارهای اقتصادی، دخالت و کنترل دولت در قیمت ها و نرخ تورم زیاد می باشد. شاخص آزادی پولی دربرگیرنده این دو متغیر است. محاسبه این شاخص با استفاده از فرمول هایی میانگین تورم سه سال گذشته و میزان کنترل دولت بر قیمت ها انجام می گردد. میزان آزادی پولی در ایران ۶۲.۰ درصد است. تورم بسیار بالاست. قیمت ها نسبتا ناپایدار باعث شده است که تا حدودی این شاخص بالا برود. دولت قیمت نفت و سوخت، برق، آب و گندم برای تهیه نان را کنترل می کند و یارانه اقتصادی فراوانی برای آنها می دهد و از طریق کنترل کارخانه های دولتی بر روی قیمت تاثیر می گذارد.

- شاخص آزادی تجارت: این شاخص مربوط است به میزان تعرفه هایی که بر واردات کالاهای خارجی اعمال می گردد. برای محاسبه این شاخص میزان محدودیت تعرفه ای و غیرتعرفه ای مد نظر است. امتیاز ایران در این شاخص ۴۵.۷ است که در مقایسه با سایر کشورهای منطقه در پایین ترین سطح قرار دارد. علت عمده پایین بودن این شاخص، بالا بودن تعرفه ها، مالیات بالای واردات،

مجوزهای صادرات، ساز و کارهای گمرکی مشکل و کنترل دولت بر روی واردات است. علاوه بر این؛ مساله ای که ۱۵ درصد از این شاخص ایران کم کرده است وجود موانع غیر تعرفه ای است.

– آزادی سرمایه‌گذاری: کشوری که سرمایه‌گذاری در آن با حداقل محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک امکان‌پذیر باشد و ورود و خروج سرمایه‌ها در عرصه‌های بین‌المللی بدون محدودیت و به آسانی امکان‌پذیر باشد می‌تواند امتیاز مناسبی برای این شاخص به خود اختصاص دهد. امتیاز ایران در این شاخص عددی معادل با صفر است. یکی از نکاتی که در این مورد در گزارش مربوطه ذکر شده است اختیار تام مجلس حتی در ملغی نمودن سرمایه‌گذاری‌های محقق شده خارجی است. عدم اجازه سرمایه‌گذاری خارجی برای خرید زمین و محدودیت‌های متعددی که کسب مجوز برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌نماید، عوامل موثری است که امتیاز ایران در این شاخص را تا حد عدد صفر پایین آورده است.

آزادی تامین اعتبار: مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی موسسات مالی در تعیین نحوه تامین اعتبار از عوامل موثر بر تعیین امتیاز برای این شاخص است. امتیاز ایران برای این شاخص عدد ۱۰ از ۱۰۰ است. در گزارش مربوط به این شاخص به کنترل‌ها و دخالت‌های دولت حتی در مدیریت بانک‌های خصوصی برای تعیین نرخ سود اشاره گردیده است همچنین ذکر شده که اکثریت مجموع دارایی‌های بخش بانکداری متعلق به بانک‌های تجاری دولتی است و نحوه اختصاص آن توسط دولت تعیین می‌شود این عوامل موجب کاهش این امتیاز شده است. مخارج دولت: میزان مخارج دولت (درصد نسبت به GDP) در بسیاری از مطالعات اقتصادی به عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیاد بودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی (G/GDP) نشان‌دهنده بزرگ‌تر بودن اندازه دولت است. درصد مخارج دولت ایران نسبت به GDP بالاترین امتیاز در شاخص‌های ده‌گانه برای محاسبه شاخص آزادی اقتصادی است. به عبارتی حجم هزینه‌های دولت بسیار بالاست و کارخانه‌های زیادی تحت مالکیت دولت هستند و یا به صورت نیمه عمومی اداره می‌شوند.

– شاخص آزادی مالی: این شاخص بر موضوع مالیات تمرکز دارد. مالیات‌بازاری است که دولت برای تامین مخارج خود از آن استفاده می‌نماید و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها از آن متاثر می‌شود. در این شاخص سه متغیر مدنظر است. حداکثر نرخ مالیات بر درآمد افراد، حداکثر نرخ

مالیات بر بنگاه‌ها و شرکت‌ها و میزان درآمد دولت از طریق مالیات (درصد از تولید ناخالص داخلی GDP). گزارش ارائه شده در مورد وضعیت این شاخص برای ایران نشان‌دهنده نرخ بالای مالیات برای افراد و بنگاه‌های اقتصادی است. در این گزارش ارقام ۳۵ درصد برای بالاترین نرخ مالیات بر درآمد افراد و ۲۵ درصد برای بالاترین نرخ مالیات بر درآمد برای شرکت‌ها ذکر شده است؛ در حالی که میزان مالیات کل دریافت شده حدود ۹.۳ درصد از درآمد داخلی بوده است.

– حقوق مالکیت: حمایت از حق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی دامنه وسیعی دارد. ایران دارای امتیاز ۱۰ از ۱۰۰ برای این شاخص است. قانون کپی‌رایت و علی‌الخصوص استفاده وسیع و رایگان از نرم‌افزارها، نقض مالکیت طراحی‌های صنعتی، نشان‌های تجاری و حق مولف از عوامل مرتبط با کاهش امتیاز ایران در این شاخص می‌باشد.

– آزادی از رشوه و فساد: در بین ۱۷۹ کشور دنیا رتبه ایران برای این شاخص ۱۶۸ است و به همین دلیل امتیازی که ایران برای این شاخص دریافت می‌نماید عددی بیشتر از ۲۲ نیست.

براساس آنچه عنوان شد می‌توان به بخشی از موانع بخش تولید در اقتصاد ایران پی برد که در این راستا راهکارهای زیر برای حمایت از تولید قابل‌ارایه است:

- پیگیری بهبود فضای کسب و کار و ارتقای کارآفرینی و بهره‌وری تولید.
- کاهش تورم در کشور از طریق کنترل نقدینگی.
- مداخله نکردن دولت در قیمت‌گذاری محصولات داخلی و واگذاری قیمت‌گذاری به نظام عرضه و تقاضا.

• بازنگری هدفمند کردن تعرفه‌ها و عوارض گمرکی در راستای افزایش تعرفه برای محصولاتی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد و کاهش تعرفه برای مواد اولیه محصولات تولید داخل که امکان تامین این مواد اولیه در داخل کشور وجود ندارد.

• کاهش هزینه‌های سربار تولید برای تولیدکنندگان داخلی از طریق کم کردن بهره بانکی، سهم بیمه کارفرما و مالیات.

• کاهش مالیات بخش‌های مختلف تولیدی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی غیرتولیدی.

• حفظ و توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی.

• ایجاد تمهیدات و بازنگری در مقررات و رویه‌های گمرکات به نفع تولید داخلی تا در نبود موانع تراشی و با همکاری بیشتر گمرکات با شرکت‌های تولیدکننده در تسریع ترخیص مواد اولیه مورد نیاز آنها، روند تولید به دلیل سختگیری‌های گمرک معطل یا متوقف نشود.